



اگر صادق هستید، دعوت به تظاهرات کنید!



صادق کار

اجتماعی» را در پرونده دارد».

با خواندن سطور نخست یادداشت مذکور، به رغم آشنایی با سابقه‌ی بدی که نویسندگان آن دارند، نوعی حس همراهی با آن‌ها در خواننده به وجود می‌آید. آن‌چنان که حتی خواننده‌ای که با سوابق و ترفندهای این جماعت آشنایی طولانی دارد، هم به شک می‌افتد، که نکند این بار قضیه جور دیگری باشد و (گربه شده باشد عابد و مسلمانا) اما در سطور پایین‌تر با مشاهده‌ی پاراگراف دیگری یادداشت، که در آن می‌نویسند: "فراکسیون کارگری از مجلس شورای اسلامی از حضور منتخبین ملت به ویژه نمایندگان شریف مجلس شورای اسلامی در کلیه‌ی برنامه‌های کارشناسی مرتبط استقبال می‌کند، ولی جای این سوال اساسی وجود دارد که آیا از میان اعضای خبره و مسلط به قانون کار در میان کمیسیون تخصصی اجتماعی و فراکسیون کارگری فردی یافت نشد که حداقل ظاهر مناظره موجه جلوه کند"، خواننده متوجه می‌شود که درد این جماعت که به ناحق نام فراکسیون کارگری را بر خود نهاده‌اند، بیش از آن که معطوف به نگرانی از حذف قوانین حمایتی باشد، ناشی از حذف این جریان از پروسه‌ی تغییر قانون کار به خاطر دادن بیانیه علیه تغییر آن موادی از قوانین کار مانند ماده‌ی ۲۷ و تبصره‌های آن است که در صورت تصویب، موقعیت خانه کارگری‌ها را نیز تضعیف می‌کند.

بیانیه‌ی چندی پیش‌خانه کارگر که به دنبال علنی شدن نقشه‌ی تغییر قانون کار به سود کارفرمایان در مخالفت با تغییرات پیش‌بینی شده‌ی دولت داده شد، بازتاب این

بنا به گزارش خبرگزاری کار ایران (ایلنا) پخش یک مناظره‌ی از پیش طراحی شده راجع به «اصلاح قانون کار» که در ۱۶ آبان از شبکه‌ی یک سیما پخش شد، با واکنش منفی و اعتراض فراکسیون موسوم به کارگری مجلس مواجه شده است. به همین سبب فراکسیون مذکور با انتشار یادداشتی در (ایلنا) نسبت به مناظره‌ی فوق‌الذکر اعتراض کرده و مناظره، افراد شرکت کننده در آن و عمل مجریان را به سختی نکوهش نموده. نویسندگان یادداشت در قسمتی از آن، ضمن نمایشی و جانبدارانه خواندن مناظره و متهم کردن مجری آن به سانسور نتیجه‌ی همه‌پرسی، نسبت به دعوت از یکی از شرکت کنندگان که سابقه‌ی اختلاس و رشوه‌خواری صدها میلیون در پرونده‌اش دارد به عنوان نماینده‌ی کارگر اعتراض کرده‌اند.

«ایلنا» در بخشی از این یادداشت در باره‌ی یکی از افراد دعوت شده به این مناظره که از افراد سرشناس تشکل‌های حکومتی سرسپرده است، و در واقع جزء همپالکی‌های همین دارودسته‌ی موسوم به فراکسیون کارگری بوده که پس از روی کار آمدن ربیعی به رغم از پرده بیرون افتادن فسادشان، دقیقاً به خاطر آلودگی و سرسپردگی به دولت‌ها و کارفرمایان، پروبال بیشتری به آنان داده شده، نوشت: "جای بسی تاسف است که از فردی در این برنامه رونمایی می‌کنند که ماه‌ها پیش و در گزارش مستند هیأت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از سازمان تامین اجتماعی، دریافت چند صد میلیون وجه نقد و کارت هدیه با دستور «عنصر فاسد و متخلف فاقد صلاحیت سازمان تامین



نگرانی است.

در اوایل انقلاب تشکیل شوراهای و سندیکاها و واقعی کارگری متعدد و افزایش نفوذشان در میان کارگران و مزدبگیران، حکومت را بر آن داشت تا با پیروی از دولت‌های پیشین، شوراهای اسلامی را علیه تشکیل‌های واقعی و کارآمد علم کند. اینک اما دولت که با یک اتحادیه‌ی کارگری سراسری نیرومند از نوع شورای متحده روبه‌رو نیست، ظاهراً تصفیه و انحلال تدریجی خانه‌ی کارگر را که نیازی به آن نمی‌بیند و فاقد پایگاه و اعتبار در میان کارگران است دنبال می‌کند.

این تجربیات نشان می‌دهند که کارفرمایان و دولت‌ها، حتی تاب تحمل تشکیل‌های فرمایشی را که خود ساخته‌اند برای همیشه ندارند و پس از سوءاستفاده از این‌گونه تشکیل‌ها، و سرآمدن تاریخ مصرف‌شان، آن‌ها را نیز کنار می‌گذارند. با این اوصاف آنچه که در این زمینه نقش سمت‌دهنده را خواهد داشت کم و کیف برخورد کارگران و مزدبگیران با این روند است و همه چیز لزوماً باب میل وزیر کار پیش نخواهد رفت.

فراکسیون به اصطلاح کارگری مجلس، که رییس‌اش دبیرکل خانه‌ی کارگر هم هست، اگر اعتراضش به تغییر قانون کار و جا زدن افراد فاسد که پرونده اختلاس صدها میلیون‌ی دارند به عنوان نماینده کارگر جدی است، و به بیانیه‌ای که خانه کارگر علیه تغییر قانون کار داده پای‌بند است خوب است به جای اعتراض صرف کم‌فایده به این مسائل، به عنوان تشکیلی که هنوز از نظر دولت رسمی و قانونی شمرده می‌شود، یا با همین نام فراکسیون، ولو آن که پیشاپیش بدانند به آن اجازه‌ی تظاهرات داده نمی‌شود، ترتیب تظاهراتی علیه تغییر قانون کار را بدهد و از کارگران دعوت کند که در آن شرکت کنند.

دیگر کشورها:

اتحادیه‌های کارگری در امریکا – بخش اول

اریک اولین رایت و جول راجرز

توضیح بولتن کارگری:

مطلب حاضر ترجمه‌ی یک فصل از کتابی است به نام «جامعه‌ی امریکایی» نوشته‌ی اریک اولین رایت و جول راجرز، دو تن از جامعه‌شناسان امریکایی با گرایش مارکسیسم تحلیلی. کتاب گفته شده، جوانب گوناگون جامعه‌ی امریکا را برمی‌رسد، و بنابراین هدف آن بررسی تفصیلی هیچ‌یک از جنبه‌های این جامعه نیست.

این فصل از کتاب به اتحادیه‌های کارگری در امریکا اختصاص دارد، نه به عنوان سازمان‌های تجربیات بلافصل، بلکه به عنوان تجربیات تفویژه شده.

طبیعی است که مدیران تلویزیون و کارگردان این شوی ضد کارگری و رسوا، که در این زمینه کاملاً با دولت، مجلس، شورای نگهبان، رهبر و کارفرمایان متحد و مصمم به یک‌سره کردن هرچه سریع‌تر قانون کار هستند، در شوی تلویزیونی‌شان، فاسدترین و خودفروخته‌ترین عناصر تشکیل‌های کارگری دولتی را که با آن‌ها هم‌زبانی دارند به آن‌جا ببرند و خدمت‌گزاران دیرینه‌ی دیگرشان را به خاطر پاره‌ای انتقاداتی که نسبت به این موضوع دارند از این روند حذف کنند.

تصفیه و حذف آن بخش از تشکیل‌های دولتی که موضع انتقادی نسبت به پاره‌ای از سیاست‌های کارگری و اقتصادی دولت دارند، در اصل جزیی از الزامات از بین بردن قوانین حمایتی است. این پروسه بلافاصله از طرف وزیر کار دولت روحانی که معمار این عملیات است، با گزینش عناصر صددرصد گوش به فرمان و آلوده به فساد در شورای عالی کار، تامین اجتماعی، کمیته‌ی دستمزد و... به اجرا گذاشته شده است. وزیر کار و دیگر مسئولین دولتی، به خوبی می‌دانند در شرایطی که ناراضی‌تی از سیاست‌ها و عمل‌کرد ضد کارگری دولت، از ناراضی‌تی صرف عبور کرده و به اعتصابات روزمره تبدیل می‌شوند، حتی دادن مسئولیت به پاره‌ای از عناصر تشکیل‌های دولتی تا چه حد می‌تواند به این فضا دامن بزند. از همین روست که آن دسته از اعضای شوراهای اسلامی را نیز که به دلیل تغییر فضای محیط‌های کارگری در اعتصابات و اعتراضات شرکت می‌کنند، بازداشت، اخراج و حتی در مواردی تحت پیگرد قرار می‌دهند.

در ایران تاکنون، دولت‌ها و کارفرمایان در دوره‌هایی که فعالیت‌های کارگری دامن می‌گرفت و اتحادیه‌های کارگری مستقل در اوج قدرت بودند، جهت منحرف کردن کارگران و تضعیف اتحادیه‌های کارگری واقعی و حق و حقوق کارگران، با پول و امکانات، اقدام به تشکیل اتحادیه‌های کارگری فلابی و ضد کارگری می‌کردند. در این مورد نمونه‌های بسیاری را می‌توان نام برد. نخستین اتحادیه‌های از این نوع با ابتکار قوام‌السلطنه، در نیمه‌ی اول دهه‌ی ۲۰ شمسی که شورای متحده‌ی مرکزی در میان کارگران نفوذ زیادی داشت و توانسته بود حمایت صدها هزار تن کارگر را به دست آورد و نزدیک به ۲۰۰ هزار تن از آن‌ها را به عضویت خود بپذیرد، تشکیل شد. اما پس از سرکوب شورای متحده، تاریخ مصرف این تشکل دولت ساخته نیز به سر آمد و منحل شد. در زمان شاه نیز یک رشته اتحادیه‌ی دولتی، به دنبال از سرگیری اعتصابات کارگری در سال‌های پایانی دهه‌ی چهل و تلاش‌هایی که برای سازماندهی مجدد سندیکاها و واقعی انجام شد، توسط ساواک و احزاب دولتی به وجود آمد و پس از تشکیل حزب رستاخیز، این کوشش‌ها ادامه یافت. با شروع انقلاب همه‌ی سندیکاها رستاخیزی چون کف روی آب ناپدید شدند.



است بسیاری‌شان هم گله‌گذاری کنند که "مگر چه فرقی می‌کند، با رأی من که وضع عوض نمی‌شود؟" - اما فراتر از رأی دادن، آن‌ها دست به اقدامی برای تحقق «اراده‌ی مردم» نمی‌زنند؛ تبدیل این «اراده» به «قدرت واقعی» هم که دیگر جای خود دارد.

این مسئله در تمام جوامع وجود دارد، اما به خصوص در کشوری هم‌چون آمریکا، با سطح بسیار بالای تحرک جغرافیایی، بازار کار به شدت رقابتی، حومه شهرهای وسیع، و با فرهنگی که بر فردیت تأکید دارد، سخت مطرح است. همه‌ی این عوامل در ایجاد آن چه «جامعه‌ی اتمی‌شده» نامیده می‌شود، یعنی جامعه‌ای متشکل از افراد جداافتاده و منزوی به جای گروه‌های متجانس، سهیم‌اند. (...) مادام که مردم زندگی‌شان را به این‌گونه سپری می‌کنند، بسیار نامحتمل است که به هم بپیوندند و دست به کوشش‌های مشترک بزنند.

غلبه بر این مسئله به ایجاد حس بامعناکی هم‌بستگی در میان مردم نیاز دارد؛ حسی دایر بر این که آنان نسبت به یک‌دیگر وظیفه دارند، حسی دایر بر این که آنان آماده‌ی ایثار برای اهداف جمعی‌اند. یک دموکراسی پرتراوات و شاداب نیازمند چنین پیوندی در میان شهروندان است.

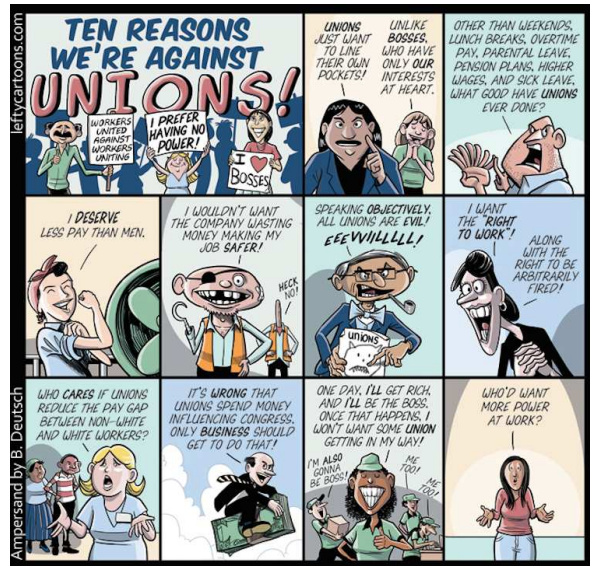
پس مسئله، در گام بعدی و بُعد عملی آن، این خواهد شد که چگونه می‌توان این حس هم‌بستگی و وظیفه‌ی متقابل را ایجاد کرد؟ ایجاد یک حس قوی هم‌بستگی، در جامعه‌ای رقابتی، فردی و مبتنی بر بازار چگونه ممکن است؟ یک بُعد بسیار پراهمیت راه‌حل ممکن، چگونگی تقویت راه‌های گوناگون برای آمیختن ریشه‌های مشارکت در انجمن‌های اجتماعی با زندگی روزمره است. آنچه مورد نیاز است، نوعی از «پیوند ارگانیک» بین زندگی روزمره‌ی ما، به عنوان انسان‌های منفرد، و زندگی ما به عنوان اعضای جامعه‌ای با منافع مشترک است.

مباحثات جامعه‌شناسانه در باره‌ی این دسته از موضوعات غالباً از اهمیت «جامعه‌ی مدنی» سخن می‌گویند. می‌توان مسئله را جور دیگری نیز طرح کرد: آنچه را که ما جامعه می‌نامیم، می‌توان به تعدادی فضای (سپهر) هم‌پوشان از روندهای اجتماعی خُرد کرد و به هر یک از آنها به عنوان موقعیت اجتماعی متفاوتی که مردم در آن نیل به اهداف گوناگونی دست به همکاری می‌زنند، نگاه کرد. سه تا از این فضاها دارای اهمیت خاص‌اند:

- اقتصاد، فضایی است که ما در آن دست به تولید و مبادله/خرید می‌زنیم؛
- دولت، فضایی است که ما در آن به امور جمعی‌مان رسیدگی می‌کنیم؛
- جامعه‌ی مدنی، فضایی است که ما در آن داوطلبانه در تشکلهای گرد هم می‌آییم و اهداف مشترکی را دنبال می‌کنیم.

در متن نوشته گاه ارجاعاتی به فصول پیش‌تر کتاب وجود دارند. طبعاً این ارجاعات در صورت ترجمه می‌توانند نامفهوم باشند. این ارجاعات حذف شده و با (...) مشخص شده‌اند.

* * *



شنیدن کلمه‌ی «دموکراسی» معمولاً آدم‌ها را به فکر انتخابات و آزادی‌های مدنی مبتنی بر حکومت قانون می‌اندازد. ما این یا آن کشور را دموکراتیک به حساب می‌آوریم، اگر کشور مورد نظر از انتخابات آزاد و منصفانه، و آزادی‌های اساسی‌ای که چنین انتخاباتی را ممکن سازند، برخوردار باشد؛ آزادی بیان، آزادی تشکل و از این قبیل.

اما ما در این فصل می‌خواهیم چهره‌ی دیگر دموکراسی را ترسیم کنیم؛ طریقی که دموکراسی در اقدامات جمعی شهروندان، در خارج از نهادهای رسمی حکومت دموکراتیک، ریشه دوانده است. ما با کندوکاو در یک مسئله‌ی مرکزی برای بنای یک دموکراسی سالم آغاز خواهیم کرد؛ چگونه می‌توان شهروندانی را «خلق» کرد که دارای چنان احساس کافی از وظیفه‌ی شهروندی و اهداف جمعی باشند که بخواهند فعالانه در حیات سیاسی دخیل باشند؟ برای پاسخ گفتن به این سؤال به اتحادیه‌های کارگری، به عنوان شکلی ویژه از تشکل، خواهیم پرداخت؛ تشکلهایی که هم‌بستگی‌های راهبر به مشارکت دموکراتیک ایجاد می‌کنند.

مسئله چیست؟

تمام جوامع دموکراتیک با یک مسئله‌ی بنیانی مواجه‌اند: مادام که شهروندان به گذران زندگی‌شان، در تنهایی خویش و به عنوان افراد مجزا مشغول‌اند، به راه‌های جداگانه می‌روند، هدف اقدامات‌شان منحصراً خودشان‌اند و تنها در پی منافع خویش‌اند، ایده‌ی دموکراسی به عنوان «مردم‌سالاری» در بهترین حالت فقط پوسته‌ای از واقعیت خواهد بود.

مردم ممکن است در انتخابات شرکت کنند -اگرچه که ممکن



کنفدراسیون دانمارکی اتحادیه های کارگری که ۱/۱ میلیون کارگر را در بخش خصوصی و دولتی نمایندگی می کند برای دستمزد برابر برای زنان و مردان در کشوری می کوشد که شکاف دستمزد در آن به طور متوسط برابر ۱۷ درصد است

این فضاها به هم پیوسته اند و بر هم مؤثراند. در این جا ما به طور خاص بر پیوند میان دولت و جامعه مدنی تأکید داریم. یک دموکراسی شاداب اکیداً به یک جامعه مدنی شاداب وابسته است؛ فضایی که مردم بتوانند در آن به سادگی برای تعقیب اهداف مشترکشان دست به ایجاد تشکل زنند.

برای بسیاری از مردم، کلیساها یکی از اشکال مهم همان تشکل های داوطلبانه اند. پس نباید جای تعجبی باشد اگر کلیسا در جریان تاریخ مکرراً نقش یکی از منابع مهم تشکل جمعی برای مشارکت سیاسی را یافته است (...). در بعضی از مقاطع تاریخ امریکا انجمن های کهنه سربازان (قهرمانان جنگ) نقش شکل عمده تشکل جمعی در جامعه مدنی برای توان بخشی به دموکراسی را به عهده گرفته اند. اتحادیه های کارگری شکل مهم دیگری از این سازمان ها داوطلبانه «از پایین به بالا» هستند. از این روست که اتحادیه ها نه فقط برای بهبود شرایط اقتصادی اعضای شان، بلکه برای دموکراسی نیز دارای اهمیت اند.

در این فصل ما ابتدا توضیح مختصری در مورد این که اتحادیه چیست خواهیم داد. سپس تاریخچه اتحادیه در امریکا را پی خواهیم گرفت و سرانجام به وضع کنونی آن خواهیم پرداخت.

اخبار خارجی:

دانمارک

اعتراض زنان به شکاف دستمزد ۱۷ درصدی

این شکاف در میان «کارگران یقه سفید» به ۲۴ درصد سر می زند.

استاتفونیکس، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۴

"زنان کارگر! امروز را تعطیل کنید. راستش، باقیمانده سال را هم تعطیل کنید!" اتحادیه های دانمارک که بیش از ۱/۱ میلیون کارگر - یعنی بیش از نصف نیروی کار در دانمارک - را در بخش خصوصی و دولتی نمایندگی می کنند، از اعضای زن شان خواسته اند چنین کنند. هدف از این اقدام نیمه شوخی اعتراض به شکاف ۱۷ درصدی میان دستمزد زنان و مردان است.

لیز یوهانسن، که از طرف کنفدراسیون دانمارکی اتحادیه های کارگری این کارزار را هدایت می کند، می گوید: "این راهی است که مسئله شکاف دستمزد را در کسری از ثانیه از میان برمی دارد. باقی سال را به یک جزیره گرمسیری بروید!" او می افزاید: "همه تشخیص می دهند که این یک شوخی است. اما این اعتراض، که اکنون قدمتی پنج ساله پیدا کرده، بر چالش هایی که دانمارک با آنها روبرو است، نور می افکند؛ گیرم که

دانمارک یکی از کشورهای با کوچک ترین شکاف دستمزدی باشد."

فوروم اقتصادی جهانی در گزارشی، که هفته گذشته انتشار یافت، اعلام کرده است که کشورهای اسکاندیناوی موفق ترین کشورها در پر کردن شکاف دستمزد بین دو جنس بوده اند. طبق تحقیقی که در میان ۱۴۲ کشور انجام شده، دانمارک از این نظر، پس از ایرلند، فنلاند، نروژ - کشوری که دولتش اخیراً خدمت نظام را برای زنان اجباری کرد - و سوئد در رده ی پنجم قرار گرفته است.

طبق گزارش مذکور، دانمارک به لحاظ دستمزد برابر برای کار مشابه، در رده ی ۲۸ام قرار می گیرد.

بیشترین اختلاف دستمزد در میان کارگران یقه سفید مثل آرشینکت ها، وکلا و نیز حرفه های فنی و علمی وجود دارد. برابر آمارهای مرکز آمار دانمارک، این اختلاف بالغ بر ۲۴ درصد دستمزد کمتر زنان نسبت به مردان است. دومین شکاف بزرگ در بخش مالی است. در این بخش اختلاف دستمزد به طور متوسط برابر ۲۲ درصد است.

بنا به داده های کنفدراسیون نام برده دستمزد متوسط زنان دانمارک به طور کلی حدود ۳۰ درصد از دستمزد مردان پایین تر است ولو که زنان در مدارج بالاتری نسبت به مردان قرار داشته باشند. کنفدراسیون دانمارکی اتحادیه های کارگری یکی از پنج سازمان کارگری است که این اعتراض را زیر نام «آخرین روز کار زنان» سازمان داده است. این شکاف بازتاب دهنده اختلافات ساختاری در بازار کار دانمارک است و در مورد مشاغل واحد به حدود هفت درصد تقلیل می یابد.



دست داده‌اند. تنها در سال ۲۰۱۴ تاکنون بیش از ۱۲۰ راننده و شاگرد راننده‌ی اتوبوس و تاکسی کشته شده‌اند.

پمپلیو کوئلو، یکی از مقامات دفتر حمل و نقل عمومی هندوراس، جمعی گذشته مقامات این کشور را به خاطر آنکه در برابر موج خشونت و کشتار دست روی دست گذاشته‌اند، به باد انتقاد گرفت و هشدار داد که منتفی نیست کل این بخش دست به اعتراض زند یا حتی ارائه‌ی خدمات به مردم را ترک گوید.

او گفت: "ما نمی‌دانیم چه دارد اتفاق می‌افتد. این یک پدیده‌ی هشداردهنده است و لازم است که هر چه زودتر به آن توجه نشان داده شود".

برخی‌ها کار در بخش ترابری هندوراس را خطرناک‌ترین شغل در این کشور امریکای مرکزی می‌دانند؛ کشوری که یکی از بالاترین میزان‌های جهانی مرگ و میر ثبت شده در اثر خشونت را نیز داراست.

بنا به داده‌های روزنامه‌ی لاپرنسا، ۹۰ درصد کشتار کارگران ترابری در هندوراس با کشت و کشتاری که باندهای جنایتکار هندوراس، به نام "ماراس"، در کشور راه انداخته‌اند مربوط است.

قطر

عفو بین‌الملل: کوتاهی در قبال کارگران مهاجر

بی بی سی، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۴



جمعی از کارگران مهاجر در قطر

شش ماه پس از آغاز کارهای ساختمانی استادیوم‌های مخصوص مسابقات جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ در قطر، عفو بین‌الملل هشدار می‌دهد که این کشور در مقابله با سوءاستفاده از کارگران مهاجر ناکام مانده است.

در ماه می سال جاری قطر متعهد شد که حقوق کارگران مهاجر را بهبود بخشد. این در حالی بود که به نحوی فزاینده زنگ اختطار در باره‌ی رفتاری که با این کارگران می‌شد، به صدا در می‌آمد.

لیزا یوهانسن با اشاره به یافته‌های تحقیق پیش‌گفته می‌گوید: "ما هنوز با شکاف دستمزد به ضرر زنان مواجهیم و این در حالی است که کارگران زن دانمارک از عالی‌ترین تحصیلات، تحصیلاتی بالاتر از مردان، برخوردارند." او می‌افزاید: "چرا باید به شما دستمزد بیشتری برای مثلاً تعویض روغن موتور ماشین پرداخته شود تا برای نگهداری از یک کودک؟"

او می‌گوید: "خوب، زنان مخاطب کارزار، توجهی به توصیه‌ی اتحادیه نشان نخواهند داد اما در عوض همکارانشان را به خوردن کیک در زمان کار مهمان خواهند کرد." اشاره‌ی او به سنتی در دانمارک است: آوردن شیرینی به سر کار روز قبل از رفتن به تعطیلات.

هندوراس

کارگران ترابری هندوراس دو باره دست به اعتصاب زدند

پرسنا لاتینا، آژانس خبری امریکای لاتین، ۱۱ نوامبر ۲۰۱۴



منظره‌ای از تگوسی گالپا در روزهای اعتصاب اکتبر

تگوسی گالپا (تپاز) - کارگران بخش حمل و نقل در هندوراس در چندین منطقه‌ی پایتخت مجدداً دست به اعتصاب زدند. آن‌ها از مقامات می‌خواهند که برای ناامنی در بخش ترابری چاره‌اندیشی کنند.

تاکسی‌ها، اتوبوس‌ها و دیگر وسائط نقلیه عمومی اعلام اعتصاب نامحدود کرده‌اند. این اعتصاب به بلیشوی بزرگی در بخش‌های مرکزی تگوسی گالپا، خاصه در کانتاراناس، سنت لوچیا و واله آنجلس انجامیده است.

این اولین بار نیست که اتحادیه‌ی کارگران ترابری اعلام اعتصاب می‌کنند. حدود یک ماه پیش، در اواسط اکتبر، نیز قریب دوهزار اتوبوس در اعتراض به بی‌تفاوتی مقامات نسبت به امنیت ترابری، از حرکت بازماندند.

برابر اطلاعات «سازمان نظارت علیه خشونت»، در خلال پنج سال اخیر حداقل ۸۰۰ کارگر ترابری جان خود را از



کارگران ایران:

تجمع کارگران سیمان لوشان در برابر بنیاد مستضعفان تهران



کارگران شاغل در کارخانه سیمان لوشان بعد از تعطیلی این واحد تولیدی به طولانی شدن بلاتکلیفی وضعیت کارخانه و کارگران آن اعتراض کردند.

منابع کارگری ایلنا در کارخانه سیمان لوشان اعلام کردند در پی تجمع ۲۴ شهریور ماه، تعدادی از کارگران که در اعتراض به تعطیلی کارخانه در مقابل ساختمان بنیاد مستضعفان (به عنوان سهامدار اصلی کارخانه) در تهران برگزار شد، رییس بنیاد مستضعفان پس از شنیدن مشکلات این واحد تولیدی و کارگزارانش، وعده پیگیری مطالبات آنان را داد.

همچنین از این کارخانه گزارش رسیده است که به دنبال طولانی شدن بلاتکلیفی وضعیت کارخانه، روز گذشته (۲۰ آبان) ۳۰ نفر از کارگران با سفر به مرکز شهرستان، مقابل ساختمان فرمانداری رودبار تجمع کردند.

مجموع کارگران باقی مانده در کارخانه سیمان لوشان هم اکنون ۵۵ کارگر پیمانی و ۱۷ کارگر رسمی با سوابق ۱۰ تا ۱۸ سال است.

* * * * *

طرح جدید وزارت کار برای تغییر اساسنامه انجمن‌های صنفی

سناریوی نظارت استصوابی برای انجمن‌های صنفی کارگری

یک عضو کارگری شورای عالی کار از قصد این شورا برای افزایش پایه سنواری کارگران و تغییر اساسنامه انجمن‌های صنفی کارگری خبر داد.

اما عفو بین الملل در گزارش ماه نوامبر خود در این باره نوشته است: "پیشرفت ناچیزی برای پیشگیری از استثمار کارگران حاصل شده است".

از جمله موارد برشمرد در گزارش، سستی قطر در اصلاح قوانین بحث‌انگیزی است که کارگران مهاجر را به یک و فقط یک کارفرما وابسته می‌کند.

عفو بین الملل می‌گوید: "همچنین الزاماتی که کارگران باید فراهم آورند تا بتوانند از کارفرمایان اجازه بگیرند و کشور را ترک کنند، بر جای خود باقی‌اند".

شریف‌الاسید علی، رییس بخش مهاجران و پناهندگان در عفو بین الملل می‌گوید: "زمان به سرعت می‌گذرد. الان چهار سال است که قطر به عنوان میزبان بازی‌های ۲۰۲۲ انتخاب شده و زیر نورافکن‌های بین‌المللی قرار گرفته است. اما واکنش‌اش به سوءاستفاده از کارگران مهاجر چندان بیشتر از وعده و وعید و طرح روی کاغذ نبوده است".

او می‌افزاید: "برای اطمینان از این که کار به برگزاری مسابقات مبتنی بر کار اجباری و استثمار نخواهد انجامید، باید اقدام فوری شود".

در روزهای نخست ماه نوامبر وزیر ورزش قطر، صالح بن قانم بن ناصر ال علی، به بنگاه خبرگزاری آسوشیتدپرس گفته بود که قطر در صدد اجرای اصلاحاتی در مناسبات کار در "خلال چند ماه آتی است".

اما عفو بین الملل پیشنهادهای داده شده برای رفرم‌های مورد نظر مقامات قطر را کافی نمی‌داند.

گزارش عفو بین الملل حاکی از آن است که مقامات قطر ضرورت بهبود وضع را تصدیق می‌کنند اما تغییرات واقعاً گسترده‌ای در ماه‌های آتی باید تحقق یابند.

قصور بیش از این در اعمال تغییرات جدی می‌تواند "این سنواری را برانگیزد که آیا اصلاً مقامات قطر خواهان رفرم هستند؟"

سال گذشته بیش از ۱۸۰ کارگر مهاجر در قطر جان خود را از دست دادند. تعداد قابل ملاحظه‌ای از آنان هم در اثر سوانح ناشی از کار ناامن آسیب دیده‌اند.

بنا به گزارش‌ها، قطر بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار را به اجرای چندین پروژه زیرساختاری اختصاص داده است و می‌گوید که مسابقات جهانی سال ۲۰۲۲ کاتالیزوری برای پروژه‌های ساختمانی در سطح ملی است.



و ادامه‌ی کار شده بودند، (پنج‌شنبه ۲۲ آبان) به قصد رساندن صدای اعتراض‌شان به رسانه‌ها در نمایشگاه مطبوعات حاضر شدند.

مرتضی نیک‌پور، رییس شورای اسلامی کار معدن سنگرود در این بازدید با انتقاد از رسانه‌ها به دلیل بی‌توجهی به یک سال اعتراض همکارانش گفت: در حالی که این رسانه‌ها با میلیاردها تومان پول بیت‌المال اداره می‌شوند، کمترین توجهی به مطالبات ما کارگران ندارند.

او در عین حال افزود: ما از یک سال پیش و برای تحقق مطالبات‌مان بارها دست به اعتراض صنفی و اعتصاب زده‌ایم اما این رسانه‌ها برای یک‌بار هم که شده اعتراضات ما را پوشش نداده‌اند.

نیک‌پور گفت: شرکت البرز غربی (کارفرما) و هیات مدیره‌ی ایمیدرو به بهانه‌ی به صرفه نبودن معدن، به دنبال انحلالش هستند؛ آن‌هم در شرایطی که بر اساس نظر کارشناسان روس و ترک حداقل ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تن زغال سنگ استخراج نشده در معدن وجود دارد. بنابراین اصرار آنان به انحلال شائبه‌هایی را به وجود آورده است.

محمدرضا بقاییان با اشاره به جلسه‌ی عصر دیروز (سه‌شنبه ۲۰ آبان) شورای عالی کار به ایلنا گفت: "اعضای شورای عالی کار در جلسه‌ی دیروز اصلاح اساسنامه‌ی انجمن‌های صنفی و افزایش پایه‌ی سنواتی کارگران از ۵۰۰ به یک‌هزار تومان را بررسی کردند اما مباحث مطرح شده در باره‌ی این دو محور به نتیجه نرسید و ادامه‌ی مذاکرات به جلسات بعدی موکول شد."

او با اشاره به پیشنهاد تغییر اساسنامه‌ی انجمن‌های صنفی توسط وزارت کار بیان کرد: اگرچه جلسه‌ی دیروز خروجی خاصی نداشت اما قرار شد کارگروهی تشکیل شود تا محورهای مطرح شده در این جلسه به صورت تخصصی‌تر بررسی شود.

بقاییان در پایان گفت: اعضای شورای عالی کار در جلسه‌ی بعدی که حدود دو هفته‌ی دیگر برگزار می‌شود، با توجه به نتیجه بررسی‌های کارگروه تخصصی در باره‌ی این دو محور تصمیم‌گیری خواهند کرد.

گمانه‌زنی می‌شود وزارت کار بعد از پیشنهاد طرح تغییر چند ماده از قانون کار به سود کارفرمایان که به تهدید امنیت شغلی کارگران منجر خواهد شد، قصد دارد با تغییر اساسنامه‌ی انجمن‌های صنفی، نظارت استصوابی را در این تشکل رسمی کارگری جا بیندازد.

اگر این گمانه‌زنی‌ها صحت داشته باشد استقلال نیمه و نصفه‌ی انجمن‌های صنفی به خطر می‌افتد و این تشکل کارگری همانند شوراهای اسلامی کار به طور کامل به دولت و کارفرمایان وابسته می‌شود.

* * * * *

اطلاعیه‌ها:

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه:

ما هم‌چنان در راه دفاع از منافع کارگران ایستاده‌ایم



سندیکای ما ششمین سال حیات خود را پشت سر گذاشت. شش سال پر از فراز و نشیب. شش سالی که اگر برای گردانندگان سندیکا سال‌های دشواری بود، اما در زندگی کارگران هفت‌تپه امید تازه بود.

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه که بعد از مبارزات قهرمانانه‌ی کارگران در سال ۸۷ شکل گرفت، در دوران فعالیت خود در زمینه‌ی دفاع از منافع کارگری کارگران به دست‌آوردهای مهمی رسیده است؛ اولاً خواست ایجاد تشکل مستقل کارگری که بعد از تاسیس سندیکای واحد آغاز گردید را دنبال کرده و مانع از آن شد که این خواست طبقه کارگر ایران به دست فراموشی سپرده شود. تاسیس سندیکای کارگران هفت‌تپه در بین کارگران کشور با فضای

کارگران معترض معدن سنگرود به سراغ رسانه‌ها آمدند



Photo: K. Mohebian
Iranian Labour News Agency

جمعی از کارگران معدن سنگرود که طی یک ماه گذشته با برپایی تجمعات اعتراضی خواستار لغو انحلال این معدن و



اخبار حوادث:

۷۳۷ حادثه‌ی کار در آذربایجان شرقی طی شش ماه



Photo:Archiv Iranian Labour News Agency

در نیمه‌ی نخست سال جاری ۷۳۷ مورد فوت و مصدومیت ناشی از کار به مرکز پزشکی قانونی استان آذربایجان شرقی ارجاع شده است.

به گزارش ایلنا، در همین مدت تعداد مصدومین ناشی از حوادث کار ۷۱۳ نفر بودند که از این تعداد ۱۳ نفر زن و ۷۰۰ نفر مرد بودند.

در این گزارش آمده است: تعداد کل متوفیات ناشی از حوادث کاری در سال گذشته ۸۲ نفر و تعداد کل مصدومین ناشی از حوادث کاری مراجعه کننده به مراکز پزشکی قانونی برابر با یک هزار و ۲۸۸ مورد بوده است.

پزشکی قانونی آذربایجان شرقی همچنین در این گزارش یادآور شده است: در سال ۱۳۹۲ استان آذربایجان شرقی از نظر فراوانی تعداد متوفیات حوادث کاری در رده‌ی ششم کشوری، بعد از استان‌های تهران، خراسان رضوی، فارس و البرز قرار دارد.

امید و همدلی همراه شد. گر چه از این فضا بهترین استفاده به عمل نیامد. مبارزه‌ی قهرمانانه‌ی کارگران هفت‌تپه و دست‌آوردهای آن و همچنین تاسیس سندیکا‌ی کارگری موجب شد که در سرتاسر ایران مبارزات کارگری از دوام و استحکام فراوانی برخوردار گردد. فرصتی که متأسفانه از دست رفت.

در عوض، فعالان سندیکا با دشواری‌های متعددی روبرو شدند. برای مسئولین سندیکا درست در چنین روزهایی و درست یک سال بعد از تاسیس سندیکا در سال ۸۸، مصادف به زندانی شدن شش تن از اعضای هیئت مدیره و پس از آن اخراج از کار گردید. این تاوانی بود که باید برای این هدف بزرگ پرداخت می‌کردیم. ما این تاوان‌ها را پرداخت کردیم تا کارگر هفت تپه نانی بر سر سفره‌اش بیاید. ما تاوان دادیم تا کمک کنیم که زندگی بیش از پنج هزار نفر در خطر نابودی نیافتند. ما مبارزه کردیم تا شرکت هفت‌تپه توسط زمین‌خواران چپاول نگردد.

از روزی که کارگران مبارزه کردند و سندیکا‌ی خود را تشکیل دادند بعد از شش سال حقوق کارگران تقریباً به موقع پرداخت می‌گردد. هنوز هم سایه سنگین سندیکا بر روی مسئولین شرکت سنگینی می‌کند. در هفت‌تپه کارگر شرکتی موقت (البته به جز پنج نفر هیأت مدیره) وجود ندارد. چرا که پی‌گیری‌های قبلی و بعدی سندیکا به رسمی شدن کارگران موقت کمک کرد. بالا بردن مزایای کارگران و اخیراً هم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل همه از دست‌آوردهای مبارزه‌ی کارگران و سندیکا‌ی آنان بوده است.

از طرف دیگر وضعیت ما به عنوان اعضای هیأت مدیره بعد از شش سال هم‌چنان در وضعیت سخت و دشواری قرار دارد. قرار داد موقت، عدم پرداخت مطالبات و حق بیمه‌ی سال‌هایی که از کار اخراج بودیم از جمله‌ی این دشواری‌هاست. ما می‌دانیم که کارفرما با رندی می‌خواهد تا شمشیر اخراج را بالای سر ما نگه دارد تا ما را از راهی که در آنیم باز دارد. اما چون مبارزه‌ی کارگر مبارزه‌ای است برای زندگی، ما چاره‌ای جز این نداریم تا به خاطر بقاء، به خاطر یک زندگی انسانی و شرافتمندانه به این مبارزه ادامه دهیم.

با امید به سرفرازی طبقه‌ی کارگر - سندیکا‌ی کارگران نیشکر هفت‌تپه آبان‌ماه / ۱۳۹۳



📖 اخبار کوتاه:

حزبیات کشته شدن سه کارگر در مشهد

حدود یکصد کارگر کارخانه‌ی روغن نباتی قو (۱۸ آبان) در اعتراض به پرداخت نامنظم حقوق طی دو ماه اخیر در محوطه‌ی این کارخانه تجمع کردند .

واژگونی خودرو وانت نیسان حامل زنان کارگر در حوالی منطقه‌ی مشترک مشهد سه کشته و ۱۸ مجروح بر جای گذاشت. مجروحان این حادثه توسط شش دستگاه آمبولانس به بیمارستان‌های مشهد منتقل شده‌اند. جانشین رییس پلیس راه خراسان رضوی علت این حادثه را ناتوانی راننده در کنترل خودرو و سقوط آن به دره ذکر کرد.

به گزارش ایلنا، از ۱۸ مصدوم این حادثه شش نفر به اورژانس بیمارستان هاشمی‌نژاد منتقل شده‌اند و دو تن از مصدومان این حادثه در بخش آکسی‌یو بستری شده‌اند.

۷۰۰ میلیون تومان از حقوق و اضافه‌کاری ۹۹ کارگر «قند اهواز» باقی مانده است.

با وجود آن‌که دو بانک ملی و ملت به عنوان سهامداران اصلی این کارخانه، بعد از اجتماع پنج روزه‌ی کارگران در تیر ماه سال جاری ۴۵ ماه از معوقات حقوقی کارگران را پرداخت کردند، هنوز حدود ۷۰۰ میلیون تومان از حقوق و اضافه‌کاری آنان باقی مانده است

مرگ راننده‌ی غلطک بر اثر سقوط به دره

۱۳۰ معدن‌کار شرکت «معدن‌جو» در زرد کرمان از ابتدای امسال تا کنون از کار اخراج شده‌اند .



Iranian Labour News Agency

کارگران مترو از اردیبهشت حقوق نگرفته‌اند
رییس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران گفت: کارگران مترو از اردیبهشت‌ماه امسال حقوقی دریافت نکرده‌اند و این موضوع، دغدغه‌ی شورا شده است.

📖 اندیشه:

شوی نمایشی دولت برای فریب کارگران

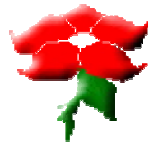


دبیر کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران با انتقاد از رفتار مجری مناظره تلویزیونی عصر جمعه (۱۶ آبان) درباره اصلاح قانون کار گفت: مجری مناظره سعی می‌کرد که القاء کند قانون کار باید در راستای حمایت از کارفرمایان تغییر کند.

دوشنبه ۱۹ آبان

محمد رحیمی که به واسطه‌ی شرکت پیمانکاری «زیباسازان لارستان» در منطقه‌ی عملیاتی پارسیان و در حوزه‌ی میدان گازی وراوی رانندگی غلطک را برعهده داشت در حین انجام کار دچار حادثه شد..

براساس اطلاعات به دست آمده، گفته می‌شود که در زمان این حادثه راننده‌ی حادثه دیده مشغول غلطک‌کاری جاده‌ی ارتباطی بین چاه شماره ۱۲ و دکل حفاری شمال بود که به دلیل انحراف خودروی غلطک در شیب تند مسیر همراه با غلطک در داخل دره سقوط می‌کند.



مجلس شورای اسلامی از سازمان تامین اجتماعی، دریافت چند صد میلیون وجه نقد و کارت هدیه با دستور «عصر فاسد و متخلف فاقد صلاحیت سازمان تامین اجتماعی» را در پرونده دارد.

* * * * *

۹۰ هزار میلیارد تومان بدهی دولت به تامین اجتماعی



کاهش مقرری بگیران بیمه‌ی بیکاری در چند استان کشور باعث شد یک بار دیگر بحث سازوکار و شرایط لغو بیمه‌ی بیکاری از جانب دولت مطرح شود. هفته‌ی گذشته مدیر کل تامین اجتماعی البرز از کاهش ۱۱ درصدی مقرری بگیران بیمه‌ی بیکاری در این استان خبر داده بود.

این مقام دولتی گفته بود سیاست‌های دولت یازدهم در کاهش تورم و رکود اقتصادی در تقلیل تعداد مقرری بگیران بیمه‌ی بیکاری مؤثر است، این در حالی است که بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در استان البرز از ۱۱ درصد در تابستان ۹۲ به ۱۲/۷ درصد در تابستان ۹۳ افزایش داشته و نرخ مشارکت اقتصادی در این استان در همین بازه‌ی زمانی با کاهش دو درصدی مواجه بوده است.

برخی کارشناسان بازار کار می‌گویند کاهش ۱۱ درصدی تعداد مشمولان بیمه‌ی بیکاری می‌تواند نشان از اعمال سیاست‌های خاصی از سوی تامین اجتماعی برای جبران کسری بودجه‌ی این سازمان داشته باشد. در حال حاضر و به اذعان مسئولین دولتی، دولت بزرگ‌ترین بدهکار تامین اجتماعی‌ست و تخمین زده می‌شود در پایان امسال رقم کل بدهی دولت به این سازمان به ۹۰ هزار میلیارد تومان برسد.

حسین حبیبی در این باره به ایلنا گفت: در مناظره‌ی تلویزیونی درباره‌ی اصلاح قانون کار، عدالت رعایت نشد. نمایندگان حاضر در این مناظره از جانب کارفرمایان و مجلس چهار نفر بودند اما نماینده کارگران یک نفر. از طرفی مجری برنامه متوجه عدد ۹۱ درصدی نظرسنجی به نفع کارگران شد (چه شاغلین موجود و چه جویندگان کار) و برای همین هم در پایان مناظره نتیجه‌ی نظرسنجی را اعلام نکرد.

حبیبی در عین حال گفت: اگر دولت و نمایندگان مجلس صداقت دارند سه‌جانبه‌گرایی را در مراجع تصمیم‌گیری در سطح کارگاه‌ها، استان‌ها و کشور رعایت کنند و استقلال تشکلهای کارگری و کارفرمایی و حق اعتراضات و اعتصابات صنفی کارگران را به رسمیت بشناسند. همچنین احیای شورای عالی تامین اجتماعی، پرداخت بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی و تدوین سند کار شایسته به اعتمادسازی میان حاکمیت و جامعه کارگری منجر می‌شود. این‌قدر هم نگویند قانون کار تحت تاثیر سال‌های اوایل انقلاب و جنگ و در فضایی احساسی و انقلابی نوشته شده و الان شرایط عوض شده است. آقایان فراموش کرده‌اند تحت همین شرایط و فضا به این عناوین و موقعیت‌ها دست پیدا کرده‌اند و حالا نباید به آنچه که برای استقرارش در انقلاب و جنگ خون‌ها ریخته شده است پشت پا بزنند و به دنبال منافع مادی خود باشند.

این فعال کارگری با دوگانه ارزیابی کردن اظهارات جعفری، رییس فراکسیون رفاه و تامین اجتماعی مجلس در مناظره گفت: آقای جعفری ابتدا گفت بحث اصلی در موضوع اصلاح قانون کار مبارزه با بیکاری، اشتغال‌زایی و حفظ اشتغال موجود است. سپس مدعی شد قانون کار مبهم است و به اصلاح نیاز دارد. باید بگویم طبق اصول ۲۰، ۲۲ و ۲۸ قانون اساسی، رفع بیکاری و ایجاد اشتغال وظیفه دولت است نه قانون کار. **وظیفه‌ی قانون کار تنظیم روابط کار در راستای حمایت از نیروی کار است. وظیفه‌ی اشتغال‌زایی و حفظ اشتغال موجود برعهده دولت قرار دارد** ولی بیشترین آسیب‌های وارد شده به جامعه کارگری در چند سال گذشته از ناحیه دولت‌ها بوده است چرا که دولت‌ها خود کارفرمای بزرگ بوده و هستند.

* * * * *

عصر فاسد

در شوی تلویزیونی دولت روحانی

اعضای هیئت ریسه‌ی فراکسیون کارگری مجلس با انتشار یادداشتی، برنامه‌ی مناظره اخیر تلویزیونی درباره‌ی «اصلاح قانون کار» را یک شوی تبلیغاتی خواندند.

به گزارش ایلنا، در بخشی از این یادداشت در باره‌ی یکی از افراد دعوت شده به این مناظره آمده است: جای بسی تاسف است که از فردی در این برنامه رونمایی می‌کنند که ماه‌ها پیش و در گزارش مستند هیات تحقیق و تفحص



ادبیات کارگری:

یک روز صبح، وقتی آمریکاییه خواست طبق معمول جاق و جوق راه بیاندازد، بقیه‌اش را پای آهن‌ها گرفت و گفت: «های زباله! باید تا غروب کار را تمام کنی.»

قبل از شروع

(قسمت اول)

آمریکاییه پاک جا خورد، اما از زبان نیافتاد: «من صاحب اینجا، می‌فهمی! من رئیس.»

جبور هم پشت گردنش را می‌گیرد و توی گوشش داد می‌زند: «تو فقط زباله اینجا، می‌فهمی زباله.» و او را کشتان‌کشتان می‌برد و می‌اندازد توی اتاق کار خودش و در را از پشت می‌بندد. غروب که کار را تمام کرد، می‌رود و در را باز می‌کند. آمریکاییه مثل مرغ دم کل در حالی که عقبش را نگاه می‌کند، تا توی دفتر کارگزی می‌دود. رئیس رؤسا می‌خواستند شلوغ‌بازی دریاورند، اما کار را که می‌بینند، قضیه را درز می‌گیرند. از آن به بعد کارگراها، اسم آمریکاییه را می‌گذارند مستر زباله. مستر زباله بعد از مدتی منتقل می‌شود به راکتور اتمی و جریان می‌خوابد.

جمعمان توی کارخانه بد نبود. نازگی‌ها یکی تو ما بُر خورده بود، اسمش «وهاب» بود. حدود بیست و چهار سالی سن داشت. وردست پدرش کار فنی یاد گرفته بود. دیپلمه بود. بعد از مدتی سگ‌دو زدن دنبال کار، از خیر پشت میزنشینی گذشته و آمده بود که به فول خودش «بیلر سوت» [3] چرب و چیلی بیوشد. اندام ریز و لاغری داشت. یه‌پا سیاسی بود. زبل و تترس. وقتی به ما اعتماد کرد، از این طرف و آن‌طرف برایمان خبر می‌آورد. اولش رو نمی‌کرد؛ ولی بعد متوجه شدیم طرفدار پروپاقرص چریک‌های فدایی است. جعفر حسابی باهاس گرم گرفته بود.

برخورد ما را با اداره کار شنیده بود. به جعفر می‌گفت باید از پتانسیل جبور برای ترغیب کارگران به مقاومت در برابر کارفرما استفاده کرد. جعفر از جوش‌و‌خروش وهاب خیلی کیف می‌کرد. از حرف زدن با او خوشش می‌آمد. یک روز به او گفته بود کلمه پتانسیل را برایش معنا کند. بعد از آن بفهمی‌نهمی گاهی توی حرف‌هایش کلمه پتانسیل را می‌آورد.

وضعیت کار در اینجا خیلی افتضاح بود. مثل همیشه وسایل ایمنی نداشتیم. شلنگ‌های برنول همه از دم پوسیده بودند. یک آمبولانس هم لعنت خدا دوروبر محل نمی‌پلکید که اگر کسی از آن بالا کله‌پا شد، زود او را به بیمارستان برسانند. کارگرهای ساده چند کیلومتر راه را از توی بیابان نصف‌شب پای پیاده می‌کوفتند تا به موقع برسند. هر چند نفر از یک ده می‌آمدند. برای کسانی که این دوروبرا خانه و زندگی نداشتند، چند غازی می‌دادند که در دورترین نقطه اهواز با آن می‌شد یکی دو تا اتاق فکسنی اجاره کرد. سرویس فقط مخصوص استادکاران بود. یک بار تو دست اکبر شلنگ برنول ترکید. شانس آورد. آن موقع شعله روشن نبود و گرانه استخوانش دود می‌شد.



مهر ۱۳۹۳
نویسنده: نسیم خاکسار
به نقل از سایت درنگ

من و جبور تو قسمت «اچ.واک.آل» [1] کار می‌کردیم. سه ماهی بود که مشغول بودیم. جعفر و یدو و سلمان و بقیه بچه‌ها تو قسمت «لرگی» [2] مشغول بودند. سلمان زخم پاش خوب شده بود، اما موقع راه رفتن کمی می‌لنگید. بعد از اعتصاب تو پلایشگاه، شهیدی و سید هاشم اخراج شده بودند. بچه‌ها برایشان جور کردند و تو «راکتور اتمی» دستشان بند شد. ما هفته به هفته همدیگر را می‌دیدیم. ساواک دارودسته عبدالغفور را ول کرده بود توی کارخانه که مواظب ما باشند، اما زورش نمی‌رسید.

شرکت روی کارمان حساب می‌کرد. تو ماه دوم، نزدیک بود عصبانیت جبور کار دستمان بدهد. شانس آوردیم که بخیر گذشت. یکی از آمریکایی‌ها با جبور بد دماغ شده بود. بی‌خودی تو سوراخ انگشت می‌گرداند. از کار فنی زیاد سر در نمی‌آورد، اما می‌خواست مثل دکمه یقه، بیخ خر همه باشد. از نظر درجه‌بندی، جبور زیر دستش کار می‌کرد. ده بار طرح ساختن یک قیف گنده آهنی را به هم زد. هر بار که جبور کار را پیش می‌برد، خودش را قاطی می‌کرد و بعد روز از نو روزی از نو. جبور بطور کفرش بالا آمده بود.



ما قبلاً خودمان را آماده کرده بودیم که با فکر حرکت کنیم. جبور سر قضیه مستر زباله از خودش انتقاد کرد. مانده بودیم کار را چطور پیش ببریم. یدو معتقد بود روی حرفهای چریک زندانی که یک شب باهاش همسلول بوده کار کنیم. من و جبور حرفی نداشتیم. سازماندهی را همه قبول داشتیم؛ اما باهاش چه میخواستیم بکنیم، معلوم نبود. این که سازماندهی باید مخفی باشد یا علنی، هنوز هیچکدام روی آن فکر نکرده بودیم، جعفر زیرزیرکی با وهاب کارهایی می کرد. ما پی اش را زیاد نمی گرفتیم.

فکر تشکیل سندیکا را اولین بار یک روز جمعه سلمان و شهیدی با هم مطرح کردند. شهیدی تو کار سندیکاسازی از همه ما پخته تر بود. تجربه های آن موقع تو کله اش بود. جبور که بزنبهادر حزب بود، از این کارهای چیزی تو خاطر نداشت. سلمان هم شلوغ می کرد، اما نمی توانست فکرهاش را جمع و جور کند. سیدهاشم هم از مبارزه فقط راه افتادن را بلد بود. یدو هم سخت ایستاده بود تا قضیه سازماندهی را یک طوری راست وریست کند. خبر شده بود که همسلولی سابقش را به زندان اهواز منتقل کرده اند. دنبال می کرد راهی پیدا کند و یک ملاقاتی با او جور کند. امیدوار بود تو این ملاقات یکجوری سروته سازماندهی را هم بیاورد. سلمان هم زیر جلکی تیرش می کرد که برنامه را دوتایی با هم جور کنند.

آن روز ما همه نشسته بودیم توی اتاق و بوی «قلیه ماهی» پاک گیچمان کرده بود. ننه وقتی حالش خوب بود، حسابی به ما می رسید. منتظر بودیم بحث و فحوص تمام شود و شکمی از عزا دریاوریم. شهیدی که مثل همیشه چارزانو نشسته بود گوشه اتاق و دستهای پت و پهنش را روی زانوهایش می مالید، گفت: «بالا بریم، پایین بیایم، باید سندیکا را علم کنیم.»

جعفر که بغلش پا دراز کرده بود، گفت: «اینم شد حرف! کم تو این مملکت سندیکا داریم که اینم بارش کنیم.»

سلمان رو کرد به جعفر و گفت: «جعفر قرار نشد چپ بزنی! سندیکای واقعی با اینا زمین تا آسمون فرق داره.»

جعفر گفت: «خیال می کنی میذارن تو کارخونه قیقاج بری. اینجا دیگه اداره کار نیس! آستینتو که بلن کردی همچی می خوابونن تو قلبت که از جات تکون نخوری.»

سلمان گردنش را راست کرد: «سگ کی باشن.»

جعفر گفت: «از این حرفا گذشته؛ تو فکر می کنی میذارن راست و حسینی جلو بریم؟!»

سلمان رو کرد به جبور: «اینم به حرف درسته.»

شهیدی گفت: «باید تمام زورمان را رو این کار بذاریم.»

یدو با اینگه هنوز تو خط سازماندهی بود، ولی باز حق را به سلمان و شهیدی داد: «بچه ها راس می گن. کار واقعی یعنی همین که شهیدی می گه.»

اکبر گفت: «تگه قبولش داری، پس چرا پی اون رفیق را می گیری؟»

جعفر گفت: «منم می خواستم همین را بگم.»

یدو گفت: «برا کامل کردنش. آدم از پرس و جو که ضرر نمی بینه. اما تو هم زیاد پرت نمی گی. باید شرایط را در نظر گرفت. ولی اگه بخوایم به سازمان مخفی تو کارخونه بزنینم، کارهای علنی مون را کی پیش می بره؟»

شهیدی گفت: «اونی که باید کار مخفی بکنه، کارشو می کنه. این دیگه خط و ربطش از این کار جداس. ما برای گرفتن حقوقمان نیاز به یه سندیکا داریم. اینجوری تماسمون با کارگرا بیشتره. از اون گذشته چندوقن هم آب و درار نیست. تو نصفه کار هم آگه بازداشت بشیم، چیزی را جا گذاشتیم که خود کارگرا دنبالش برن. این آگه پا بگیره دیگه مونده.»

شهیدی از سندیکا پاش را آن طرف تر نگذاشت. آنقدر پا سفت کرد که بچه ها هم رضا دادند عجالتاً رو خط برپا کردن سندیکا حرکت کنند.

شهیدی گفت: «اول باید اساسنامه بنویسیم.»

نوشتن اساسنامه خودش کلی دردسر داشت. شهیدی از جزئیات آن چیزی تو خاطر نداشت. همین را می دانست که سندیکا باید اساسنامه داشته باشد. یدو به تلاش افتاد تا اساسنامه ای پیدا کند. از همان اول روی اساسنامه های سندیکاهای زرد یک خط قرمز کشیدیم. جعفر گفت: «نگاه کردن به اونا فکرات [۴] میاره.»

سلمان گفت: «درس کردنش به عالم وقت می بره.»

من گفتم: «چطوره از وهاب استفاده کنیم؟»

جعفر لبخندی زد. اما هیچ نگفت.

یدو گفت: «حالا همه برن دنبالش ببینیم چه میشه!»

قرار شد تا اساسنامه پیدا نشده، بچه ها حرف سندیکا را جایی نزنند.

ادامه دارد

و ۲ - قسمت هایی در مجتمع فولاد اهواز [1]

[۲]. نوعی لباس کار

[۴]. به زبان عامیانه جنوب یعنی بدبختی.



گزارش:

حداقل هزینه یک خانواده کارگری سه میلیون تومان

در شرایطی که قرار است در سال ۹۳ درآمد یک خانواده چهار نفره کارگری با احتساب مزد پایه، کمک هزینه مسکن، حق بن و حداکثر حق اولاد در حدود ۸۲۰ هزار تومان ثابت بماند، طبق تحقیقات میدانی یک تشکل صنفی کارگری حداقل هزینه‌های زندگی یک خانوار برای آبان ماه سال ۹۳ تا بیش از ۳ میلیون تومان برآورد شده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران اعلام کرد: بررسی‌های میدانی انجام شده توسط این نهاد کارگری نشان می‌دهد که برای آبان ماه سال جاری متوسط هزینه‌های یک خانوار چهار نفره براساس قیمت‌های دولتی و آزاد از حدود ۲ میلیون و ۸۶۸ هزار تومان تا ۳ میلیون ۲۹۸ هزار تومان در تغییر است.

حداقل سید هزینه خواربار یک خانوار چهار نفره در یک ماه (آبان ۹۳)

نام ۹۳	صرف روزانه فرد درجهان (گرمه)	صرف روزانه فرد در (گرمه)	صرف ماهانه فرد (کلیه)	صرف ماهانه ۴ نفر	هزینه به کارورمیانین آبان ۹۳	جمع هزینه ماهانه
نیل	68	320	9,600	38,400	9,000	345,600
برنج	60	100	3,000	12,000	60,000	720,000
ماکارونی		20	0,600	2,400	24,000	57,600
میوه‌جات	60	33	1,000	4,000	41,833	167,332
سبزی و سبزیجات		70	2,100	8,400	9,000	75,600
سویز	356	280	8,400	33,600	11,000	369,600
سایر سویز جاد	356	280	8,400	33,600	9,792	329,011
سود	400	260	7,800	31,200	19,571	610,615
گولت فرور	100	50	1,500	6,000	320,000	1,920,000
گولت ماهی	50	25	0,750	3,000	94,000	282,000
گولت مرغ	67	67	2,010	8,040	53,200	427,728
تغذیه مرغ	66	25	0,750	3,000	41,900	125,700
شیر	822	240	7,200	28,800	15,000	432,000
لبنیات	67	67	2,010	8,040	34,000	273,360
پاییز	33	33	1,000	4,000	115,000	466,000
آرد	8	8	0,250	1,000	240,000	240,000
زرد	40	40	1,200	4,800	185,000	888,000
فرد و شکر	14	45	1,350	5,400	24,000	129,600
جمع					7,853,746	

Iranian Labour News Agency

اولویت‌های بعدی هزینه‌های آبان ماه خانواده‌های کارگری هستند.

افزایش هزینه‌ها به نسبت سه ماهه اول سال

طبق محاسبه کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران ارزش ریالی سید هزینه‌های زندگی یک خانواده متوسط کارگری در حالی برای ماه آبان تا مرز تقریبی ۳ میلیون تومان پیش رفته است که پیش از این براساس محاسبات کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری (یکی دیگر از تشکل‌های رسمی کارگری) تا پایان بهار ۹۳، ارزش هزینه سید خانوار را تا مرز ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان برآورد شده بود

سید هزینه از اقلام در سید هزینه آبان ۹۳

شماره	سال پایه 100	ریب اهمیت	آبان دولتی	آبان - آزاد
سید خوراکی	27.38		7,853,746	9,031,808
سید سختیات	0.35		100,395	115,454
سید مسکن	32.82		9,414,169	10,826,294
سید کفش و پوشاک	4.94		1,417,002	1,629,552
سید اثاثه	5.13		1,471,502	1,692,227
سید بهداشت و درمان	6.98		2,002,160	2,302,484
سید حمل و نقل	9.87		2,831,135	3,255,805
سید ارتباطات	2.38		682,685	785,088
سید امور فرهنگی و تفریح	2.85		817,501	940,126
سید تحصیل	2.24		642,527	738,906
سید رستوران و هتل	1.86		533,527	613,556
سید کالاهای خدمات متفرقه	3.2		917,896	1,055,580
سید کل سید خانوار 4 نفره در یک ماه	100		28,684,244	32,986,880
جمع			7,853,746	

Iranian Labour News Agency

اقتصاد ملی:

هفت چالش پیش روی اقتصاد کشور

خبرآنلاین /

فرشاد مومنی چندی قبل در نشست تخصصی کمیسیون مدیریت واردات اتاق ایران با نگاهی به وضعیت عمومی اقتصاد کشور به تحلیل 7 چالش پیش روی اقتصاد کشور پرداخت، آنچه می‌خوانید، مشروح بررسی‌های ایشان است.

یک:

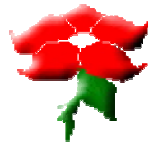
اولین چالش مسئله «تراز تجاری غیرنفتی کشور» است. باید توجه کرد که این مفهوم، جزو مفاهیم ناموسی برای توسعه ملی محسوب می‌شود. تراز تجاری غیرنفتی در ایران یکی از مهم ترین مولفه‌های اقتصاد سیاسی داخلی ایران و اقتصاد سیاسی بین‌المللی برای کشور است. اگر از زاویه رویکرد تاریخی به مساله تراز پرداخت‌های ایران به طور کلی و تراز تجاری غیرنفتی کشور به طور خاص توجه کنید می‌بینید که

بر اساس داده‌هایی که از سوی کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران در مورد برآورد هزینه‌های زندگی یک خانواده متوسط چهار نفره جمع آوری شده است؛ برای ماه آبان، مسکن و اقلام خوراکی به ترتیب با اختصاص دادن حدود ۳۲ و ۲۷ درصد از حجم سید کل سید در صدر اقلام ضروری خانواده‌های کارگری قرار دارند.

بر این اساس، در آبان سال ۹۳ خانواده‌های کارگری در ارزان‌ترین حالت باید از یکسو بیش از ۷۰۰ هزار تومان بابت اقلام خوراکی مورد نیاز خود هزینه کنند و از سوی مقابل همزمان حدود ۹۰۰ هزار تومان دیگر نیز بابت هزینه مسکن خود پرداخت کنند.

سید اقلام خوراکی که قیمت آبان ماه آن توسط کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران برآورد شده از ۱۹ قلم کالای اساسی نان و غلات، لبنیات، میوه و سبزیجات و چای، قند و شکر تشکیل شده است.

در ادامه داده‌های تحقیق میدانی که توسط کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران انجام شده است استفاده از خدمات حمل و نقل، خدمات بهداشت و درمان، خرید اثاثه و خرید کفش و پوشاک به ترتیب با ارزش‌های تقریبی ۲۸۰، ۲۰۰، ۱۴۷ و ۱۴۱ هزار تومان در



دو:

چالش دوم در تجارت خارجی ایران به «ترکیب اقلام وارداتی» مربوط می‌شود از این زاویه که سهم کالاهای سرمایه ای وارداتی در کل واردات کشور به شدت تنزل یافته است. گزارش منتشر شده توسط سازمان توسعه تجارت ایران در سال ۱۳۹۲ نشان می‌دهد در حالی که سهم واردات کالاهای سرمایه ای از کل واردات ایران در سال ۱۳۸۳؛ یعنی سال قبل از آن جهش قیمت نفت، ۴۷/۳ درصد بوده است، این سهم در سال ۱۳۹۰ به ۱۵/۱ درصد و در سال ۱۳۹۱ به ۱۲ درصد کاهش پیدا کرده است. این موضوع به معنای آن است که ظرفیت‌های تولیدی که در ایران اضافه شده به طرز غیرمتعارفی سقوط کرده است. این در حالی است که از یک طرف تمایلات مصرفی ما به طرز عجیبی بالا رفته و از طرف دیگر ما با بی سابقه ترین سطوح عرضه نیروی کار جدید در بازار کارمان در سال‌های آتی روبه رو هستیم.

سه:

چالش بعدی به موضوع «

سهم غیرعادی واردات کالاهای ساخته شده خارجی در کل اقلام وارداتی» باز می‌گردد. در این بین گزارش شاخص‌های جهانی توسعه که در سال ۲۰۱۳ از سوی بانک جهانی منتشر شده نشان می‌دهد بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ به طور متوسط بین ۱۴ تا ۱۹ درصد از کل واردات کشور به مواد غذایی اختصاص داشته است، ۲ تا ۳ درصد مربوط به مواد خام کشاورزی می‌شده است، ۱ تا ۲ درصد شامل سوخت بوده است، ۱ تا ۲ درصد مواد معدنی و فلزی و ۷۳ تا ۸۱ درصد هم مربوط به کالاهای ساخته شده صنعتی که شامل ماشین آلات هم می‌شده است. اگر به این آمارها با نگاهی ریز بینانه توجه کنید متوجه الگوی سنتی استعمار می‌شوید. موضوع مهم در این مورد خام فروشی است و این که ایران به صادر کننده عمده مواد خام در جهان تبدیل شده است و در مقابل وارد کننده کالاهای ساخته شده صنعتی. فقط برای اینکه یک تصویری در این زمینه داشته باشید و در ذهنتان بتوانید یک مقایسه بین‌المللی انجام بدهید توجه شما را به آمارهای جهانی جلب می‌کنم .

بینید میانگین جهانی سهم کالاهای صنعتی وارداتی در سطح جهان بین ۵۶ تا ۶۵ درصد است. آن چیزی که مساله را خیلی قابل تامل‌تر می‌کند، میانگین منطقه ما یعنی خاورمیانه و شمال آفریقا است. کشورهایی که عموماً اوضاع احوالشان یا مثل ما است یا بدتر از ما. در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا هم این نسبت بین ۶۶ تا ۷۴ درصد است. پس با توجه به این دو آمار جهانی و مقایسه آن با شرایط کنونی کشور متوجه می‌شویم که چرا باید به طور جدی به موضوع ترکیب اقلام وارداتی در کشور به‌عنوان یک چالش فکر کنیم .



بخش بزرگی از گرفتاری‌های ایران و امتیازات بسیار غیرعادی ای که حکومت‌ها در ایران به خارجی‌ها داده اند برای پر کردن شکاف بین بنیه تولید و الگوی مصرف حاکم بر کشور بوده است.

برای مثال یکی از بزرگ ترین ناموس‌های هر اقتصاد، امتیاز انحصاری نشر اسکناس است، حالا وقتی یک شکاف بین بنیه تولید و الگوی مصرف در نیمه دوم قرن نوزدهم اتفاق افتاد برای مدت‌های طولانی امتیاز انحصاری نشر اسکناس را به خارجی‌ها واگذار کردیم.

« لورد کروزون» یکی از موثرترین دیپلمات‌های انگلیسی در قرن بیستم در ایران که کتابی با عنوان «ایران و قضیه ایران» دارد نقل می‌کند وقتی که داری بعد از گرفتن امتیاز بزرگ نفتی به لندن بازگشت تا مانند فاتحین از امتیاز گرفته بگوید، ۱۱ ماه طول کشید تا مقامات دولتی انگلستان باورکنند که چگونه ممکن است دولت ایران چنین امتیازاتی را به یک شهروند خارجی داده باشد. این مسئله نشان می‌دهد وقتی تراز تجاری مشکل دارد چقدر اقتصاد کشور آسیب پذیر خواهد بود.

در این باره می‌توان به کتاب « عصر امتیازات» ابراهیم تیموری هم توجه کرد. او در این کتاب می‌نویسد وقتی امتیاز داری داده شد، آه از نهاد درباریان بلند شد، شاید تصور کنید غیرتشان برانگیخته شده است اما بحث آن‌ها این بود که وقتی می‌شد برای چنین امتیازهایی دلالتی کرد چرا آن‌ها خود را درگیر امتیازات جرئی و بی اهمیت کرده اند و چنین امتیازی را از دست داده اند.

بنابراین تراز تجاری غیرنفتی کشور از اهمیت ویژه ای برخوردار است. گزارش رسمی گمرکات کشور در سال ۱۳۹۲ نشان می‌دهد تراز تجاری غیرنفتی ایران در دوره سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳، ۸۹/۱ - میلیارد بوده است که در طی سال‌های برنامه چهارم، یعنی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸، این رقم به ۱۶۱/۲ - میلیارد دلار رسیده است.



چهار:

در سال ۱۳۷۶ به اعضای هر یک تن کالایی که ایران وارد کرده، سرجمع به طور متوسط ۱/۹ تن کالایی غیرنفتی صادر شده است و این عدد در سال ۱۳۸۴ به اعضای واردات هر یک تن کالا به جای ۱/۹، ۲/۶ تن کالا وارد شده است. این علامت هم نشان دهنده اتکا فزاینده به خامفروشی است. در سال ۱۳۹۱ این رقم به ۲/۹ رسیده است یعنی به اعضای واردات هر یک تن کالا ما ۲/۹ تن کالا صادر کرده ایم. باید توجه داشت مفهوم رابطه مبادله، مفهوم بسیار کلیدی در ادبیات توسعه است و تقریباً بین تمام صاحبان نظران اقتصاد توسعه این نقطه نظر وجود دارد که اگر روند نزولی رابطه مبادله استمرار داشته باشد اقتصاد آن کشور با امتناع توسعه رو به رو است.

هفت:

هفتمین چالش هم به تولید محوری باز می‌گردد که در اصل به گونه ای راهکار برون رفت از چالش‌ها هم هست. اگر به من بگویند پیشنهاد شما برای برون رفت چیست و چه کاری باید کرد؟ پاسخ من توجه و حمایت از تولید ملی است.

راه نجات ایران از این زاویه، عبارت از بازنگری بنیادی در سیاست‌های اشتغال و سیاست‌های موثر بر ظرفیت‌های سازمانی کشور است. می‌گویند مهم‌ترین کارکرد اشتغال این است که ضریب انباشت دانش ضمنی را در کشور ارتقا می‌دهد. شما می‌دانید که می‌گویند که دانش دو قسمت است، دانش آشکار، دانش ضمنی. دانش آشکار عمدتاً دانایی پدید می‌آورد و دانش ضمنی عمدتاً توانایی پدید می‌آورد.

گفته می‌شود که دانش ضمنی اگر بخواهد اثر توسعه پیدا کند باید هویت جمعی بیابد و هویت جمعی پیدا کردن هم در دل سازمان‌های اقتصادی اتفاق می‌افتد.

یعنی یادگیری جمعی و دانش ضمنی انباشته شده جمعی در فعالیت‌های تولیدی سازمان یافته اتفاق می‌افتد که اسم آن را ظرفیت‌های سازمانی می‌گذارند. ما در زمینه ظرفیت‌های سازمانی اوضاع و احوال بسیار نگران‌کننده داریم. در ساده‌ترین بیان، ظرفیت‌های سازمانی را با دو مولفه می‌سنجند: (۱) طول عمر بنگاه‌های تولیدی و (۲) مقیاس فعالیت بنگاه‌های تولیدی.

چالش چهارم به «ترکیب اقلام صادراتی ایران» مربوط می‌شود. در این زمینه نیز ماخذ آمارهای من بانک جهانی است. براساس آمارهای بانک جهانی ترکیب اقلام صادرات کالایی ایران در دوره بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ شامل ۳ تا ۴ درصد صادرات مواد غذایی، بین ۸۱ تا ۸۹ درصد صادرات مواد سوختی (شامل مواد پتروشیمی و میعانات گازی هم می‌شود)، ۱ تا ۲ درصد مواد معنی و فلزی و ۷ تا ۱۲ درصد کالاهای صنعتی بوده است.

توجه داشته باشید که این الگوی صادرات با آن الگوی واردات دقیقاً همان مفهوم خام فروشی را به نمایش می‌گذارد. باز در این زمینه آن چیزی که می‌تواند برای ما خیلی مساله را قابل‌اعتنا کند مقایسه آمارهای داخلی با آمارهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است که بسیاری از کشورها در آن همانند ما از منابع نفتی و سوختی بهره مند هستند، اما نکته جالب این است که صادرات سوختی این کشورها از ما بسیار پایین تر است. براساس آمارهای بانک جهانی میانگین منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در مورد سهم صادرات سوخت بین ۶۷ تا ۷۷ درصد است که تقریباً ۱۴ تا ۲۳ درصد پایین تر از ما است.

از سوی دیگر آمار گمرک هم این موضوع را نشان می‌دهد، طبق گزارش گمرک کشور از بین ۱۰ قلم از مهم‌ترین اقلام صادرات به اصطلاح غیرنفتی ایران حدود ۵ قلم از آن چیزهایی است که ما برای تقویت روحیه اسم آن را گذاشتیم غیرنفتی ولی در اصل نفتی است و این موضوع بسیار قابل توجه است.

پنج:

چالش بعدی که به نظرم بسیار تأمل برانگیز است، به طرف‌های عمده تجاری ایران مربوط می‌شود؛ هم در مورد واردات و هم در مورد صادرات. ما از نظر تنوع طرف‌های تجاری هم در واردات و هم در صادرات یک وضعیت غیرعادی و نابسامانی را تجربه می‌کنیم و بین ۶۰ تا ۶۷ درصد کل اقلام وارداتی و صادراتی کشور تنها به ۵ کشور صادر می‌شود یا از ۵ تا کشور وارد می‌شود و این هم به نظر من یک مساله خیلی مهم و جدی است و نشان از ضعف‌های ما دارد که تاکنون روی آن کاری انجام نشده است.

شش:

چالش ششم که من از این زاویه به آن می‌پردازم به «مساله روند نزولی رابطه مبادله» مربوط می‌شود. می‌دانید که رابطه مبادله یک نسبی است که در صورت آن شاخص قیمت کالاهای صادراتی و در مخرج آن شاخص قیمت کالاهای وارداتی جای می‌گیرد و گفته می‌شود که اگر در اقتصاد، این کسر یک روند نزولی داشته باشد از منظر تجارت و توسعه، نشان دهنده سقوط به سمت توسعه نیافتگی بیشتر است. در این زمینه مطالعه ای که در سازمان توسعه تجارت انجام گرفته نشان می‌دهد



کفت وگو:

تشکل جدید رابطه اش با تشکل های دیگر کارگری به چه شکل تعريف می شود؟

سید علی حسینی:

حسینی: من شخصا" عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری هستم و این را وظیفه خود می دانم که به تمام کارگران و فعالان کارگری که می خواهند هر گونه تشکل تشکیل دهند به آن کمک کنم. این مساله در اساسنامه کمیته هماهنگی به تصویب رسیده است. این تشکل هم جدا از این قاعده نیست و ما باید برای تشکیل آن کمک کنیم. اما به نظر من، تشکیل این تشکل هیچ گونه مشکلی برای تشکلهای و کمیته های موجود به وجود نمی آورد، بلکه آنان را تقویت خواهند کرد.

تاکنون سه نشست داشته اید، این نشست ها چگونه بوده؟

حسینی: بحث تشکیل تشکل سراسری به این روزها مربوط نیست بلکه از چند سال گذشته روی آن بحث های زیادی شده. اما در بهار امسال عملا" یک نشست در میان فعالان کارگری در شهر سقز برگزار شد و همگی به این نتیجه رسیدند که جهت سامان دهی به صحبت های گذشته باید با هم نشست داشته باشیم و از کلیه کارگران و فعالان کارگری دعوت شود تا در این نشست ها شرکت کنند. بر همین اساس نشست دوم در شهر کرج برگزار شد و در آن نشست مصوب شد تا آدرس ایمیلی به جامعه معرفی شود که فعالان و کارگرانی که مایل هستند در نشستها شرکت کنند از طریق این ایمیل با ما تماس حاصل کنند. نشست سوم هم در شهر سقز با شرکت تعدادی از نمایندگان کارگران برگزار شد که در نتیجه مصوب گردید که یک اطلاعیه صادر شود، آن اطلاعیه در دنیای مجازی انتشار دادیم تا کارگران و فعالان جهت نشست بعدی به ما بپیوندند.

تشکل سراسری کارگری به تقویت تشکلهای دیگر کمک می کند

کانون مدافعان حقوق کارگر

از ابتدای امسال و در میان فعالان کارگری، سه نشست در شهرهای کرج و سقز برگزار شده است. شرکت کنندگان در این نشست هدف خود را "ایجاد تشکل سراسری کارگری" اعلام کرده اند. این مساله باعث شد تا در میان فعالان و حامیان جنبش کارگری بحث هایی شکل بگیرد. در همین رابطه گفت وگویی با سید علی حسینی، عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و یکی از شرکت کنندگان در این نشست انجام شده است. که به شرح زیر تقدیم شما می شود:

دست آورد جنبش کارگری از سال 82 الی 92 چیست؟

حسینی: جنبش کارگری از سال 82 به بعد رشد قابل ملاحظه ای داشته است. در فاصله زمانی این مدت چند تشکل کارگری و ده ها کمیته کارگری به وجود آمده که هر کدام به سهم خود در راستای رسیدن طبقه کارگر به خواست و مطالباتشان کمک های شایانی کرده اند. ما شاهد هستیم که امروز ده ها کارگر به اتهام عضویت در کمیته های کارگری و تشکل های مستقل کارگری به زندان محکوم شدند و یا برای آنان پرونده تشکیل دادند.

تشکل کارگری مستقل چیست؟

حسینی: تشکل های مستقل هیچ وقت از نهاد های دولتی جهت تشکیل اجازه نمی گیرند و آن تشکل مستقل با اراده جمع اساسنامه خود را تصویب و آن را جهت اجرا به هیئت مدیره منتخب واگذار می کنند.

شما یکی از شرکت کنندگان جمع ایجاد تشکل سراسری کارگری هستید، هدف این جمع از ایجاد یک تشکل جدید سراسری چگونه است؟

حسینی: هدف از ایجاد تشکل سراسری برای ایجاد همبستگی کلیه کارگرانی است که با هر شکل استثمار طبقاتی مخالف هستند. ایجاد تشکل سراسری به معنای آن است که کارگران را در آن متشکل و برای مبارزه با کل نظام سرمایه داری بعنوان یک طبقه واحد حرکت کنند.